

متن گزارش ارائه شده توسط رفیق خاوری به پلنوم فروردین ماه

(بخش دوم)

مرحله کنونی مطابقت دارد ترجمه کرده و منتشر می سازند و می کوشند تا آن را به عنوان نظریه حاکم در اتحاد شوروی ارائه دهند.

صرفنظر از اینکه چنین عملی ناصحیح است، چنانکه گفته ایم دوران نسخه برداری سپری شده است. حزب توده ایران دارای ویژگیهایی است که نباید و نمی توان آن را از نظر دور داشت. البته اصل مرکزیت - دمکراتیک پیوندی با این ویژگیها ندارد. ما این اصل را در فعالیت سازمانی بکار گرفته ایم، نه برای اینکه اصولاً ویژه احزاب طبقه کارگر است. مرکزیت - دمکراتیک در احزاب غیر کمونیستی نیز مورد بهره برداری قرار می گیرد. هر حزبی تا آنجا که وضع سازمانی شان اجازه می دهد از این اصل استفاده کرده و می کند. حزب توده ایران معتقد به مراعات اصل مرکزیت - دمکراتیک است. در هر سازمان سیاسی و یا حتی نهاد اداری، اگر آنها به شکل باشگاه اداره نمی شوند، حداقل مرکزیت وجود دارد. بدون "مرکزیت" تشکیل، نه حزب و نه حتی نهاد اداری، امکان پذیر نیست تا چه رسد به اداره آن.

منطق حکم می کند تا زمانی که اصلی جایگزین آنچه به اصطلاح "کینه شده" نگردیده، نباید آن را از بین برد.

پس از تحولات بنیادین در کشورهای اروپای شرقی اصل مرکزیت - دمکراتیک نیز در آن کشورها به یکی از مسائل مورد بحث تبدیل شد. برای اینکه بتوان آنچه در درون احزاب کمونیستی و کارگری اروپای شرقی در این زمینه می گذرد بدرستی درک کرد، باید خاطر نشان ساخت که اصل مرکزیت - دمکراتیک در آن کشورها نه تنها یک اصل سازماندهی حزبی، بلکه در عین حال، اصل اداره کشور نیز بود. به همین سبب، مثلاً، دانشمندان اتحاد شوروی بطور عمده نه اصل مرکزیت - دمکراتیک، بلکه شیوه ای را که جایگزین آن شده بود و اینک آن را مرکزیت - بوروکراتیک می نامند، مورد انتقاد قرار داده اند و می گویند: "دستگاه عظیم اداری" و یا "آپارات" به مقابله منبع و سرچشمه بوروکراتیسم شیوه استالینی فرماندهی - اداری، امور را هم در حزب و هم در دستگاه دولتی، رایج کرده بود و این یکی از عوامل موثر در دفرمه شدن سوسیالیسم بشمار می رود.

رققا می دانند که در اتحاد شوروی هرکسی نظر خود را پیرامون مسائل سیاسی و اجتماعی و... می نویسد. در سال های اخیر عادت شده که عده ای از اعضای حزب ما نیز، بدون در نظر گرفتن آنچه گفته شد، نظراتی را که با خواست آنها در

مرکزیت - دمکراتیک را با چه اصل نوینی باید تعویض کرد؟ ما، در این زمینه هیچ پیشنهادی دریافت نکردیم. اما، آنچه عده ای از کمونیستها در این یا آن کشور مطرح ساخته اند، روشن است. برخی ها می گویند اصل مرکزیت - دمکراتیک را باید کنار گذارد و تصمیمات متخذه در ارگانهای عالی حزب را به تصویب اعضاء حوزه های حزبی رساند. به بیان دیگر، هر ارگان حزبی، در هر سطحی، پس از مذاکره و تدوین و تصویب قراری و یا سندی باید آن را از تصویب همه اعضاء حزب بگذراند و اگر رد شد، باید روند کار را از نو آغاز کند.

این نظر می تواند مثبت تلقی گردد، چرا که همه اعضاء حزب را مستقیماً در تصمیم گیری شرکت می دهد. اما حتی این نکته مثبت هم شامل فقط احزاب علنی می شود، گرچه چنین روشی منطقی عملی نیست. به هر حال احزابی مانند حزب توده ایران که کار عمده آن در شرایط مخفی در داخل کشور متمرکز است و مجریان آن در هسته های غیرمتمرکز مخفی گرد آمده اند و بخش دیگری از اعضایش در مهاجرت و در سراسر جهان پراکنده اند، چگونه می تواند هر سندی را به شکل و شیوه مورد بحث به تصویب همگان برساند؟

نباید فراموش کرد که در هر دو حالت، سندی وقتی تصویب خواهد شد که اکثریت بدان رای دهد و بدینسان یکی از عناصر متشکله مرکزیت - دمکراتیک با یک مکانیسم بفرنج تر به مورد اجرا گذارده می شود.

موضوع دیگر مورد بحث، تعویض اصطلاح "مرکزیت - دمکراتیک" با "توافق دمکراتیک" است. توافق به چه شکلی صورت گیرد و یا چه کسانی باید توافق کنند؟ اگر منظور، توافق در ارگان عالی است و شکل آن نیز رای گیری است در این صورت چه فرقی با اصل مرکزیت دمکراتیک دارد؟ اگر هدف نفی وجود خط مشی سیاسی واحد و مورد قبول اکثریت است که چنین عملی، جز تبدیل حزب به باشگاه نبوده و نیست. اگر شق نخست می تواند مورد پذیرش باشد، شق دوم مطرود است.

حزب یک تشکل بسیار بفرنج اجتماعی - سیاسی و یک ارگانیسم زنده و فعال است. پس از انقلاب، حزب در شرایط علنی فعالیت در سراسر کشور، سازمان های خود را بوجود آورد. این ارگانیسم زنده از دهها ارگانیسم زنده دیگر تشکیل شده بود که همه آنها با رشته های متعدد با مرکز حزب ارتباط داشتند. جز این هم نباید انتظاری داشت. زیرا سازمان های پائین بدون مرکزیت نمی توانند عمل واحد و متشکلی را انجام دهند. تردیدی نیست که بدون تشکل سازمان های مختلف، یعنی اعضاء آنها پیرامون خط مشی واحد مصوب ارگان عالی حزب و پذیرش انضباط آگاهانه نمی توان حزب را در سمت هدف واحد به حرکت درآورد. هیچ حزبی، صرفنظر از ماهیت آن نمی تواند بدون تامین وحدت عمل، بدون تبعیت اقلیت از اکثریت، به برنامه و خط مشی سیاسی خود تحقق بخشد.

تصور نمی رود که رقفاً، حزبی را سراغ داشته باشند که در آن وحدت نظر میان اکثریت وجود نداشته باشد. حتی در احزاب سوسیال دمکرات که معمولاً خود را دمکرات ترین احزاب می دانند، اگر فردی علیه سیاست رسمی حزب قیام

کند، از صفوف آن کنار گذارده می شود.

به هر حال، حزب توده ایران در شرایط بسیار دشوار مبارزه در داخل کشور نمی تواند و نباید از معیارها و نرمهای مرکزیت - دمکراتیک همانند تبعیت اقلیت از اکثریت به معنای اجرای بدون چون و چرای خط مشی سیاسی و برنامه مصوب اکثریت، صرفنظر کند.

چنانکه گفتیم در سال های اخیر، رهبری حزب اصل همه پرسى پیرامون نکات گرهی سیاست داخلی و خارجی را بوقوع اجرا گذارده و از خرد جمعی در تنظیم اسناد مهم استفاده کرده است. این شیوه کار، به همه اعضا و هواداران حزب، البته آنهایی که مایل بوده اند، امکان شرکت فعال در تنظیم تصمیمات حزبی را داده است. به نظر می رسد ادامه این روش در مقیاس گسترده و کوشش در راه تکمیل آن می تواند به تامین وحدت اراده در حزب کمک کند.

از مجموعه آنچه گفته شد یک نتیجه می توان گرفت: "گناه" در نفس مرکزیت نیست. حرف برسر طرز و شیوه اجرای آن است. بحث برسر هماهنگ ساختن دو عنصر یک اصل واحد یعنی مرکزیت با دمکراسی است. موضع لنین در این زمینه می تواند تا اندازه ای به ما کمک کند. و ای لنین از برنشتاین برای آن انتقاد کرد که وی نمی توانست ضرورت مرکزیت داوطلبانه را درک کند. برنشتاین مرکزیت را به مثابه چیزی از بالا ترسیم شده تصور می کرد که گویا فقط از جانب کارمندان و نظامیان می تواند تحمیل گردد.

مرکزیتی که با روح و شیوه دمکراتیک ایجاد نشده است و روح و شیوه دمکراتیک را اعمال نمی کند معیوب است. مرکزیت واقعی که لنین مطرح می ساخت مرکزیتی بود که می بایست از "پائین" داوطلبانه و آگاهانه استقرار یابد. چنین مرکزیتی باید با شرکت همه سازمانها و اعضاء حزب بوجود آید. حزب ما طرفدار این مرکزیت است که باید در اساسنامه جدید روی آن تکیه شود. این نیز مسلم است که عوامل پرونی، مثلاً، شرایط کار مخفی این روند را تا اندازه زیادی کند می کند و این نیز یک امر گذراست.

آیا می توان اصل مرکزیت - دمکراتیک را از اساسنامه حذف کرد؟ البته کنکره حزب می تواند از آن صرفنظر کند. اما، این عمل ناصحیح و فاقد منطق است. شاید بتوان "توافق دمکراتیک" را با مضمون حفظ وحدت نظری در اساسنامه جدید وارد کرد. این خود یک راهی است. در هر صورت مرکزیت نه تنها امروز در شرایط مبارزه مخفی در داخل اهمیت حیاتی دارد، بلکه اصولاً عناصر مرکزیت برای رشد مستمر حزب حتی در شرایط کار علنی نیز ضرور است. زیرا در غیر اینصورت نمی توان از خط مشی سیاسی و برنامه واحد، ساختار واحد، حزبی از ارگان های عالی تا پایه، سخن به میان آورد. هیچ حزب زنده و فعال نمی تواند بدون مصوبات ارگان بالاتر، بدون ارگان مرکزی تحت هر نامی، بدون مراعات انضباط آگاهانه و غیره موجودیت خود را حفظ کند. نفی ضرورت وحدت نظری برای تحقق سیاستهای مورد قبول حزب، جز نفی دورنما و آینده فعالیت حزب نبوده و نیست.

اگر آنچه گفته شد صحیح است، در اینصورت باید گفت که این مجموعه از عناصر متشکله مرکزیت - دمکراتیک

چنین مواردی جنبه تئوریک داشت.

اما، اکنون بحث برسر دادن تریبون به رفقایی است که با مصویات ارگان های عالی حزب مخالف هستند. آیا می توان با این نظر موافقت کرد؟ در شرایط تعدد بی حد نظرات اگر پیشنهاد برخی ها دایر بر دادن امکان انعکاس همه آنها در "نامه مردم" عملی گردد، حزب آگاهانه در راه ایجاد سردرگمی برنامه ای گام برخواهد داشت.

ما معتقدیم که علاوه بر نظرخواهی درباره اسناد برنامه ای و اساسنامه ای، همه اعضای حزب می توانند بحث پیرامون مسائل نظری را در مجله "دنیا" ادامه دهند. در این مورد مثلا طبق تصمیم هیئت سیاسی شعار آزادی و صلح و سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" مصوب پلنوم دیماه در مجله "دنیا" به بحث گذارده شد. متأسفانه رفقایی که به هر علتی با این شعارها موافق نیستند و یا بحث پیرامون اینگونه مسائل را ضروری می دانند و معتقد به انعکاس نظرات مخالف هستند پاسخی به خواست هیئت تحریریه درباره ارسال نظرات خود ندادند.

به هر حال پیشنهاد می شود تا در قطعنامه پلنوم ماده ای درباره انتشار نظرات تئوریک اقلیت و بحث پیرامون آنها به تصویب رسد. برای این بحث بخشی از صفحات مجله "دنیا" اختصاص داده شود.

معمولا وقتی از دمکراسی درون حزبی سخن می رود، روی یک موضوع تکیه می شود؛ تشکیل کنگره سوم از طریق انتخاب نمایندگان در حوزه های حزبی و نیز انتخابی کردن همه ارگانها، از پائین تا بالا در کمیته های کشوری.

می توان گفت اگر انتخاب در حوزه ها را که در برخی سازمانها معمول است کنار بگذاریم، تاکنون بقیه مسائل مطروحه مراعات نشده اند. علت چیست؟ پلنوم های کمیته مرکزی و در درجه اول کنفرانس ملی به اتفاق آراء تصویب کرده اند که در یک حزب دو معیار برای ایران و مهاجرت نمی تواند وجود داشته باشد. اما، پلنوم کمیته مرکزی طبق رسمی که در حزب ما جاری بوده می تواند در این اصل تغییراتی بدهد.

برای اینکه اصل حیاتی حفظ وحدت حزب مراعات گردد، باید بخش مهاجرت را که در آن رفا اکثرا نیازی به پنهانکاری نمی بینند به شکلی متفاوت از ایران، ولی همچنان در راه بهره گیری هرچه نیرومند در تقویت فعالیت رفقای درون کشور هدایت کرد. فقط در این صورت می توان به مهاجرت دمکراسی کامل در انتخاب ارگانها را داد. پیشنهاد می شود که از هم اکنون کار در مهاجرت را به شکلی مستقل، و در عین حال در پیوند ارگانیک با فعالیت حزب در ایران پذیرفت و در مهاجرت نوعی استقلال در ابتکار عمل درون حزبی برای بازبودن دست واحدهای حزبی در اجرای تصمیمات ارگانهای عالی حزب بوقع اجرا گذارد. منظور چیست؟ سازمان های ما در سراسر جهان پراکنده اند و شرایط کار آنها با یکدیگر متفاوت است. بنابراین، باید به هرزمانی در این یا آن کشور اجازه فعالیت مستقل با توجه به شرایط محلی داد. هر سازمانی می تواند طبق خواست اعضا، ارگانهای اداره کننده را از پائین به بالا انتخاب کند. معیار انتخابات نیز می تواند گوناگون و در ارتباط مستقیم با شرایط محل باشد. آنچه مهم است، همه امور باید براساس

بشمار می رود. ما می گوئیم عناصر، زیرا مرکزیت فقط جزء کوچکی از مناسبات درون حزبی است و هسته مرکزی آن را دمکراتیسم گسترده تشکیل می دهد، یعنی تامین حاکمیت کامل اعضای حزب. اینست آن موضوع عمده که باید در اساسنامه جدید مورد توجه قرار گیرد. در پیوند با مسائل اساسنامه ای دو موضوع بسیار مهم که دارای پیوند متقابل هستند نیز مطرح است. این دو موضوع، عبارتند از: انضباط آگاهانه و "حق اقلیت".

اینکه انضباط حزبی در مهاجرت سست و در مواردی توسط افراد معینی به هرج و مرج کشانده شده، تردیدی نیست. این افراد برای "اثبات حقانیت" خود از "حق اقلیت" که گویا پایمال می شود سخن می گویند.

در حزب ما کار بجائی کشیده که حتی برخی از اعضای کمیته مرکزی از دعوت به مراعات انضباط "خجالت" می کشند و تصمیمی را که خود برای پایان دادن به هرج و مرج درون حزبی به آن رای داده اند، نفی می کنند و این عمل خود را "تجلی دمکراسی" در حزب می نامند. یا برخی از اعضای هیئت سیاسی تصمیم اتخاذ شده را زیر پا گذارده و مضمون بحث های هیئت سیاسی را حتی به شکل تحریف شده در خارج پخش می کنند. آیا این رفا صرفنظر از هر هدفی که تعقیب می کنند این عمل را ضد دمکراتیک نمی دانند؟

بدون مراعات انضباط آگاهانه، آن هم در شرایط بسیار بفرنجی که حزب ما قرار دارد، نمی توان از انسجام حزب سخن گفت. وقتی در حزب انسجام وجود نداشته باشد، طبیعا دچار انفصال خواهد شد. بنابراین، پلنوم باید صریحا "نظر" ناصحیح "یا دمکراسی یا انضباط" را قاطعانه رد می کند. "یا و یا" نمی تواند در یک حزب زنده و فعال وجود داشته باشد. دمکراسی و انضباط لازم و ملزوم یکدیگرند. آنانی که می اندیشند دمکراسی یعنی بی انضباطی و هرج و مرج، سخت در اشتباهند و نادانسته بردشوریه های حزب می افزایند.

اگر ما می خواهیم به حزب نیرومندی در کشور تبدیل شویم، نسخه آن روشن است: مراعات جدی و آگاهانه انضباط، مراعات دمکراسی درون حزبی، داشتن فرهنگ سیاسی بحث و آمادگی مبارزه در راه وحدت اراده حزب. هر فردی که برنامه و اساسنامه حزب را می پذیرد وظیفه دارد در راه تحقق آن پیکار کند. باید این گفته لنین را آویزه گوش کرد که حزب بدون انضباط، حزب نیست.

بدینسان می رسیم به موضوع دیگر، یعنی "حق اقلیت". وجود نظرات گوناگون و در مواردی مخالف در حزب ما، موضوع جدیدی نیست. در گذشته رسم براین بود که این نظرات هیچگاه از هدف نهائی منحرف نمی شدند و در آخرین تحلیل حاملان آنها آماده وحدت برای دستیابی به آماج نهائی حزب بودند. اما، اختلاف نظر برسر مسائل نظری، اجتماعی و اقتصادی و ... از جمله مسائل عادی در حزب بود. در مجله "دنیا" مقالاتی منتشر می شد که فقط اندیشه های این یا آن مولف را منعکس می کرد. هیئت تحریریه "دنیا" در سرلوحه اینگونه مقالات خاطر نشان می کرد که نظر ارائه شده در مقاله از مصویات حزب نیست و بحث پیرامون مطالب آن آزاد است.

خواست اعضا سازمان داده شود. سازمان های انتخاب شده از مرکز رهنمود کلی دریافت خواهند کرد. امور سازمانی و تبلیغی و ترویجی آنها مستقلا انجام خواهد گرفت. همه سازمانها موظف خواهند بود مبلغی برای تامین هزینه های حزب به مرکز پرداخت کنند.

شرایط زیر باید مراعات گردد:

۱- در همه سازمانها تعداد افراد حزبی باید دقیقا تعیین گردند.

۲- همه سازمانها باید مصوبات کمیته مرکزی را رهنمود عمل قرار دهند.

نباید فراموش کرد که حزب در شرایط مخفی فعالیت می کند. در این مورد، اصول چهارگانه مخفی کاری مصوب کنفرانس ملی درباره کار در داخل به قوت خود باقی می ماند. اینکه واحد ما در داخل چه تصمیمی درباره بهره گیری از دمکراسی اتخاذ خواهند کرد مربوط به تشکیلات کل و هسته های حزبی در ارتباط با آن است. در هر حال، اولویت از آن هسته های مخفی و اعضای آنهاست.

موضوع دیگر تشکیل کنگره حزب است. پیشنهاد می شود که تدارک کنگره به عهده رهبری آینده گذارده شود. شرکت کنندگان در کنگره باید طبق معیارهایی که کمیته مرکزی از تصویب می گذرانند و از طریق انتخابات آزاد، مستقیم و مخفی انتخاب شوند. انتخاب نمایندگان شرکت کننده در کنگره باید در حوزه های حزبی انجام گیرد.

عده ای از رفقا هم اکنون امور حزبی را اداره می کنند. اموری که دیگر رفقا از انجام آن سر باز می زنند. باید تدابیری اندیشید که اینگونه رفقا، یعنی کادرهای حزبی در کنگره شرکت جویند. طبیعی است که رهبری آینده پابپای تدارک کنگره در صورت تصویب کمیته مرکزی باید امکانات مالی ضرور را نیز با همکاری فرد - فرد اعضای حزب فراهم آورد.

طبیعی است که بدون جلب موافقت هسته های مخفی در داخل کشور هیچ کنگره ای دارای قدرت عمل و نفوذ نخواهد بود. این نیز مسلم است که برای حفظ امنیت اعضای هسته های مخفی به هیچ وجه نباید در کنگره خارج از کشور شرکت جویند. در این مورد نیز باید تشکیلات کل با رفقا در داخل مشورت کند و به خواست آنها تحقق بخشد.

رفقا!

شما می دانید که حزب ما پس از تحولات اخیر در جهان، در شرایط کاملا جدیدی فعالیت می کند و لذا باید شیوه های نوین بکار گیرد. هم اکنون تعداد اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی حدود ۵۰ نفرند. گردآوردن چنین جمعی بدلائل مختلف دشوار است و طبق تصمیم قبلی امکان پذیر نخواهد بود. رفقای پیشنهاد کرده اند تا تعداد اعضای کمیته مرکزی تا ۱۵ نفر تقلیل داده شود. اما، اینکه چگونه باید این تصمیم مورد اجرا درآید، نظری داده نشده است. مثلا، آیا ۱۵ نفر فقط باید از میان اعضای اصلی انتخاب شوند؟ در این صورت تکلیف اعضای مشاور چه خواهد بود؟

می گویند باید فهرست ۱۵ نفری را به رای گذارد و

برحسب آراء داده شده آن عده را انتخاب کرد و بقیه اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی را از رهبری کنار گذارد.

اینگونه پیشنهادات نمی تواند مورد قبول واقع شود. اعضای کمیته مرکزی را، آن هم اگر تخلفی کرده باشند با دوسوم آراء می توان کنار گذارد. وانگهی به چه علت باید اکثر اعضای کمیته مرکزی را کنار گذارد؟ پیشنهاد می شود کمیته مرکزی يك کمیته اجرائی مرکب از ۱۱ تا ۱۵ تن انتخاب کند و آنها نیز از میان خود يك صدر و يك معاون صدر برگزینند. جلسات کمیته اجرائی ۶ ماه یکبار تشکیل خواهد شد. کمیته اجرائی موظف خواهد بود علاوه بر اجرای قطعنامه پلنوم فروردین ماه، کمیسیونهای چندی برای تهیه برنامه و اساسنامه با شرکت دیگر اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی با در نظر گرفتن تجمع جغرافیائی آنها انتخاب کند. این کمیسیونها می توانند و باید نه يك طرح، بلکه طرح های گوناگون برنامه و اساسنامه را مستقلا تنظیم کنند که سپس در کمیسیون واحدی طرح نهائی تنظیم و برای نظرخواهی به اعضا و هواداران حزب داده خواهد شد.

کمیته اجرائی باید در ارتباط مستمر با اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی باشد و گزارش فعالیت خود را بطور منظم و کتبا در اختیار آنها بگذارد و رفقا نیز پیشنهادات و نظرات خود را در اختیار کمیته اجرائی بگذارند.

مسئله مشکلات مالی حزب، هم در پلنوم دیماه و هم در جلسات عدیده هیئت سیاسی مطرح شده است. از رفقا پنهان نیست که حزب ما با مشکلات مالی روبرو است. چه باید کرد؟ باید نشریات حزب به حداقل برسند و از تمام امکانات مالی سازمانها برای اداره حزب و در درجه اول کار تبلیغاتی و اداره هسته های مخفی استفاده کرد.

پیشنهاد می شود فعلا به انتشار "نامه مردم" و "توده نیوز" و در صورت امکان "دنیا" (سه ماه یکبار) اولویت داده شود. یگانه شرط در این زمینه دادن استقلال به دایره نشریات حزب است تا ارگان حزب را فقط برای سازمانهای ارسال دارد که حاضر به پرداخت حق ابوظمان هستند. این اصل شامل مجله "دنیا" نیز خواهد بود. باید به نشریات اختیار داد در صورت خودداری سازمانها از پرداخت ابوظمان، ارسال روزنامه قطع شود.

گرچه سازمان توده ای فقط می تواند در داخل کشور عمل کند، ولی حزب دارای سازمانهای توده ای در مهاجرت است. البته هدف ما از حفظ سازمانهای توده ای یا صریحتر گفته باشیم رهبری آنها، استفاده از ارگانهای جمعی بین المللی بود که ما هم عضو آن بودیم. در ارتباط با تحولات اخیر در اروپای شرقی، ارگانهای بین المللی سابق نیز دیگر قادر به ادامه کار نیستند و طبیعا ما هم نمی توانیم از آنها استفاده کنیم. به همین سبب پیشنهاد می شود کار سازمانهای توده ای در خارج متوقف گردد و بجای آنها هرچه بیشتر تکیه کرد.

رفقای عزیز!

با در نظر گرفتن محدودیت وقت پلنوم، مهمترین مسائلی که بحث پیرامون آنها ضروری است به اطلاع شما رسید. پلنوم کمیته مرکزی باید تصمیمات روشنی درباره مسائل عمده مطروحه اتخاذ کند.